

## نقشه شوم سرقت میلیاردی در دست قاتل زندانی



وی گفت: مدتی قبل دوستانم جبار که به اتهام قتل در زندان است با من تماس گرفت و گفت نقشه سرقت خوبی طراحی کرده است و اگر بتوانم اجرا کنم، پول خوبی گیرم می آید. اول قبول نکردم، اما وقتی اصرار کرد و گفت به پول نیاز دارد، قبول کردم. او از زندان نقش مدیر عامل شرکت معروفی را بازی کرد و مدیر صرافتی را فریب داد و من هم طبق نقشه دلارها را از کارمند صرافتی تحویل گرفتم و فرار کردم.

در حالی که بررسی ها حکایت از آن داشت جبار از بستگان نزدیک ششایی است، مأموران پلیس با پرونده مرد طلا فروشی که او هم از بستگان جبار بود، رویه رو شدند که به همین شیوه از او هم مقدار زیادی طلا به ارزش ۴۰۰ میلیون تومان سرقت شده بود. در تحقیقات بعدی سیروس به سرقت طلاها هم اعتراف کرد و مدعی شد نقشه سرقت طلاها را هم جبار طراحی کرده است.

بررسی های مأموران پلیس نشان داد جبار چند سال قبل با همدستی زن جوانی به نام مهین، شوهر وی را به قتل رسانده و پس از دستگیری

سفرش دلار داده کلاهبردار بوده و همه دلارها را سرقت کرده است. او گفت وقتی به ساختمان رسیده مرد جوانی به سراغش آمد و او را داخل ساختمان برد و پس از اینکه بسته دلارها را از او گرفت از او خواست همانجا منتظرش بماند تا با او تسویه کند و بعد ناگهان غیبش زد و وقتی هم به دفتر شرکت می رود، می گویند اصلاً آن‌ها دلار را سفرش نداده اند و آن فردی که دلارها را گرفته نمی شناسند.

**رد پای قاتل زندانی**  
باشکایت مدیر صرافتی، پرونده به دستور باز پرس دادسرا برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین گام دوربین های مدار بسته محل حادثه را بازبینی کردند که دریافتند مرد سارق وقتی بسته دلارها را از کارمند صرافتی تحویل می گیرد از در دوم ساختمان به سرعت خارج می شود و با موتورسیکلتی فراری می کند. در ادامه تحقیقات فنی، مأموران پلیس موفق شدند متهم را به نام سیروس شناسایی و دستگیر کنند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس اداره کدر نقشه را یکی از دوستانش به نام جبار از زندان طراحی و او هم کرده است.

**گروه حوادث** - مرد قاتلی برای پرداخت دیه اش از زندان، نقشه سرقت از صرافتی و طلا فروشی بستگانش را با همدستی یکی از دوستانش طراحی و اجرا کرد. چندین قاتل در تهران به اداره پلیس رفت و از سارقی به اتهام سرقت ۶۰۰ میلیون تومان شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: من صرافتی بزرگی در یکی از خیابان های مرکزی تهران دارم. چند روز قبل مردی با من تماس گرفت و خودش را مدیر شرکت بازرگانی معرفی کرد و گفت می خواهد از من دلار بخرد. او گفت قبلاً شرکتشان با صرافتی دیگری همکاری می کرد، اما به دلایلی تصمیم گرفته نیازهای ارزی اش را از صرافتی ما تهیه کند. به هر حال پس از چند روز گفت و گوی تلفنی ۶۰۰ میلیون تومان دلار سفرش داد و قرار شد همکارم دلارها را در ساختمان شرکت تحویل کارمندش بدهد و همانجا تسویه کند.

وی ادامه داد: او با جزئیاتی و اطلاعاتی که داشت، اعتماد مرا جلب کرد و سرانجام من هم سفرش را و با یک بیک دترم به آدرسی که گفت فرستادم. ساعتی بعد کارمند دست خالی برگشت و گفت مردی که

چویه دار نجات پیدا کنند به همین خاطر تصمیم گرفتم من هم پولی فراهم کنم و از خانواده ام بخواهم به اولیای دم پیشنهاد دهم. اما من پولی نداشتم که سرانجام تصمیم گرفتم از دو نفر از بستگانم که خیلی ثروتمند هستند، سرقت کنم و با پول آن رضایت اولیای دم را جلب کنم. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

هم با حکم دادگاه به قصاص محکوم شده است. بدین ترتیب مأموران پلیس جبار را برای تحقیق از زندان به اداره پلیس منتقل کردند. متهم در بازجویی های هر دو سرقت اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: چند سالی است در انتظار چویه دار هستم و هر شب کایوس می بینم. از طرفی تعدادی از زندانیان موفق شدند با پرداخت دیه از

## سرقت از زن جوان و کودکش



**گروه حوادث** - باشکسته شدن حکم ۳۰ سال زندان دو مرد که متهم هستند در پوشش مسافر بر یک زن و مرد را به دام انداخته اند آنها را دیگر در دادگاه محاکمه شدند.

رسیدگی به این پرونده از سال ۹۶ به دنبال شکایت یک زن جوان آغاز شد. وی که پلیس پردیس رفته بود از دو مرد مسافر برنامه شکایت کرد و گفت: همراه پسر خرد سالم منتظر تاکسی ایستاده بودم که یک پژو که دو سرنشین داشت مقابل پایم توقف کرد و من و پسر خرد سالم هم سوار ماشین شدیم. اما آنها یکبار به بیراهه رفتند و به رویم چاقو کشیدند. راننده و سرنشین دیگر من و پسر را تهدید به مرگ کردند. سپس تراول چک ها و طلاهای را که همراه داشتم دزدیدند. و مرا از ماشین پیاده کردند.

با این شکایت مأموران پلیس به ردیابی دو دزد خشن پرداختند. در این میان شکایت مشابهی به پلیس رسید که مرد جوانی در حاشیه پردیس به تله دو مسافر برنامه گرفتار شده و پول هایش سرقت شده بود.

چند روز از این شکایت نگذشته بود که مأموران پلیس به راننده یک پژو و سرنشین دیگر مشکوک شدند و آنها را بازداشت کردند. زن و مرد مالباخته در مواجهه حضوری با دو مرد جوان آنها را شناسایی کردند. به



دوستی من و سیما دامه پیدا کرد و من همواره اشک ریزان از مشکلات و سختی های زندگی ام برایش سخن می گفتم تا این که روزی پیشنهاد کرد برای فراموش کردن تلخکامی هایم و به صورت تغنی از ماده مخدری استفاده کنم که اعتیاد آور نیست.

اومدی مواد مخدر مجانی به من می داد و با یکدیگر مصرف می کردیم ولی یک روز فهمیدم معتاد شده ام و این همی گفت آن ماده مخدر اعتیاد آور نیست، فقط ترندلی برای آلوده کردن من به مواد مخدر بود. سپس سیما را تباطش را با من قطع کرد و مدعی شد برای مصرف مواد مخدر باید پول پرداخت کنم. وقتی ساعتی بعد آثار خماری در وجود نمایان شد به ناچار از یک فروشگاه چند تکه لباس سرقت کردم و با فروش آن به مغازه های دیگر مواد مخدر خریدم. از آن روز به بعد برای تأمین هزینه های اعتیاد به سرقت از منازل و مغازه ها روی آوردم.

در همین گیر و دار با پسر معتادی به نام «ایمان» آشنا شدم و تصمیم گرفتم با یکدیگر دست به سرقت بزنیم تا کسی به ما مشک نکند. از آن روز به بعد سواری موتورسیکلت ایمان در خیابان ها پر سر می زدیم و از منازل سرقت می کردیم تا این که پس از انجام یکی از همین سرقت ها تیر و های گشت کلاتری امام رضاع (ع) ما را دستگیر کردند...

با دستور سرهنگ شریفی (رئیس کلاتری امام رضاع (ع)) تحقیقات از دو متهم دستگیر شده در دایره تجسس کلاتری ادامه یافت.

مجازات خواست. و گفت: من چهره دو متهم را به خاطر دارم. آنها بودند که به روی من به پسر خرد سالم چاقو کشیدند. دومین شاکی نیز برای آنها درخواست مجازات را مطرح کرد. سپس متهمان یک به یک به دفاع پرداختند. یکی از آنها گفت: من قبول دارم همراه دوستانم مرد جوان را سوار ماشین کردم و با تهدید چاقو اموالش را دزدیدیم. اما اتهام سرقت خشن از زن جوان را قبول ندارم. دومین متهم نیز گفت: من اصلاً زن جوان را ندیده ام و نمی دانم چطور مرد پلیس آگاهی شناسایی کرده است. من اتهام سرقت از زن جوان را قبول دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تارای صادر کنند.

این ترتیب دو مرد جوان به اتهام سرقت به عطف در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند و حکم ۱۵ سال زندان محکوم شدند. اما به حکم صادره اعتراض کردند و مدعی شدند فقط مرد جوان را به عنوان مسافر سوار کرده و از او سرقت کرده اند. اما زن جوان را هرگز ندیده اند. با این ادعا حکم ۳۰ سال زندان دو متهم در دیوان عالی کشور شکست تا آنها در شعبه هم عرض از خود دفاع کنند.

به این ترتیب دو متهم در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند. در ابتدای جلسه زن جوان در جایگاه ویژه ایستاد و برای دو متهم اشد

مجازات خواست. و گفت: من چهره دو متهم را به خاطر دارم. آنها بودند که به روی من به پسر خرد سالم چاقو کشیدند. دومین شاکی نیز برای آنها درخواست مجازات را مطرح کرد. سپس متهمان یک به یک به دفاع پرداختند. یکی از آنها گفت: من قبول دارم همراه دوستانم مرد جوان را سوار ماشین کردم و با تهدید چاقو اموالش را دزدیدیم. اما اتهام سرقت خشن از زن جوان را قبول ندارم. دومین متهم نیز گفت: من اصلاً زن جوان را ندیده ام و نمی دانم چطور مرد پلیس آگاهی شناسایی کرده است. من اتهام سرقت از زن جوان را قبول دارم. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تارای صادر کنند.

## با حشمت فرار کرده بودم!

**گروه حوادث** - وقتی به خاطر جوانی که مدعی بود عاشقم شده است و مرا خوشبخت می کند در همان ۱۳ سالگی از خانه فرار کردم و آبرو و حیثیتم را از دست دادم. هیچ گاه فکر نمی کردم چند سال بعد به دختری معتاد و آواره تبدیل شوم و دست به سرقت بزنم...

این ها بخشی از اظهارات دختر ۳۳ ساله ای است که پس از دستبرد به اموال یک منزل مسکونی با همدستی یک جوان مو تور سوار، با تیزهوشی نروهای کلاتری امام رضاع (ع) مشهود دستگیر شده است.

این دختر جوان که به دلیل اعتیاد شدید توان سخن گفتن نداشت، در حالی که پلک هایش را به سختی باز می کرد در باره سرگذشت اسف بار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلاتری گفت: پدرم کارگر ساختمانی بود ولی من چهره او را به خاطر ندارم چرا که وقتی پدرم هنگام کار در ارتفاع سقوط کرد و جان سپرد، من هنوز به ۴ سالگی نرسیده بودم.

بعدها مرگ پدرم هیچ منبع در آمدی نداشت. به همین دلیل مادرم در منزل مردم کاری کرد تا منم از زندگی من و خواهر و برادر دیگرم را تأمین کند. وقتی کمی بزرگ تر شدم همواره به زمین و زمان ناسزا می گفتم که چرا در چنین خانواده ای به دنیا آمدم و باید فقر را تجربه کنم و هیچ حامی و پشتیبانی هم در زندگی نداشتم. باشم.

با آن که می دانستم مادرم خیلی سختی ها را تحمل می کند تا با آبرو مندی شکم ما را سیر کند ولی باز هم نمی توانستم با این شرایط کنار بیایم. آن زمان با این افکار روزها را سپری می کردم تا این که در ۱۳ سالگی با «حشمت» آشنا شدم.

خوش تیبی او مرا به سوی عشقی خیابانی کشاند و در حالی دل باخته او شدم که حشمت همواره بر ایتم رویا پردازی می کرد و مدعی بود مرا به آرزوهایم می رساند و خوشبختی می کند اما من هیچ گاه فکر نمی کردم او که آهی در بساط ندارد و جوان ۲۸ ساله بیکاری است، چگونه می تواند نیازها و آرزوهای مرا بر آورده کند. با این حال، حشمت که خانواده آشفته ای داشت و از منزل طرد شده بود به تنهایی به خواستگاری ام آمد ولی مادرم که متوجه شد او به خدمت سربازی رفته است و هیچ کس و کاری هم ندارد باز او را مخالفت کرد با این حال، من که عاشق او شده بودم به حرف های مادرم توجهی نکردم و به طور ناگهانی پیشنهاد فرار از خانه را پذیرفتم و به همراه حشمت عازم شهرهای شمالی کشور شدم.

در حدود یک ماه که هیچ کس از جا و مکان من خبری نداشت حیثیتم را بر باد دادم اما در همین شرایط حشمت حاضر نشد هر چه خود را آورد با هم از دواج کنیم. تازه فهمیدم همه این حرفه بازی ها تعریف و تمجیدها از من ترندلی برای هوسرانی و رسیدن به نیات پلیدش بوده است. بعد از این ماجرا در ماند و پیشیمان از دست حشمت فرار کردم و در حالی که خانه باز گشتم که از شدت شرم و وحالت نمی توانستم به چهره مادرم و دست های بیگانه بسته اش نگاه کنم.

با این حال، باز هم مادرم مرا پذیرفت و سرزنش نکرد. مدتی بعد از این ماجرا یک روز به طور اتفاقی یکی از همکلاسی های دوران مدرسه ما را در خیابان دیدم. آن قدر ذوق زده شده بودم که سیما را از آغو شم رها

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش | تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) | سایت: www.eghtesad-kish.ir

<b>استخدام</b>	<b>خدمات</b>	<b>استخدام</b>	<b>استخدام</b>
به یک فروشنده با سابقه ( خانم یا آقا) برای فروشگاه عطر و ادکلن با روابط عمومی بالا نیازمندیم. ۰۹۰۴۶۸۴۷۹۷۹	به دونفر کارگر برای بسته بندی در شرکت سولوزی لطافت کیش با حقوق مکفی نیازمندیم شماره موبایل ۰۹۱۲۲۲۰۴۵۵۹ بیستونی	کارمند امور اداری خانم آشنا به امور اداری و کامپیوتر جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید، بلوک b۳، طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	نیروی خدماتی ( خانم ، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه کنند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹
مهندسی مشاور جهت تکمیل کادر نظارت ابنیه برج مسکونی در جزیره کیش ارسال رزومه به شماره تلفن واتسآپ: ۰۹۰۱۲۱۱۹۶۳۷	خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	نیروی خدماتی ( خانم ، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	مشاور امین ملکی شما در جزیره کیش املاک امروز ۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰
به دو نفر کارمند خانم جهت استخدام در لوازم تحریر نیازمندیم. محدوده نوینباد ۰۹۰۲۲۹۹۲۰۹۹	خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴	نیروی خدماتی ( خانم ، آقا) جهت کار در یک شرکت نیازمندیم. متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	مشاور امین ملکی شما در جزیره کیش املاک امروز ۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰
آقا ۳۳ ساله متاهل جویای کار سرایداری می باشم. ۰۹۳۷۳۲۶۹۴۳۷	حمل بار	منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	مشاور امین ملکی شما در جزیره کیش املاک امروز ۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰
دنیای عطر جزیره کیش مرکز تجاری طبقه اول غرفه ۵۲ شماره تماس ۰۹۱۷۷۶۲۸۴۲۲	حمل و جابجایی کالا با ۶ چرخ در سطح جزیره ۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰	منشی شیفت بعدازظهر جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹	مشاور امین ملکی شما در جزیره کیش املاک امروز ۰۷۶۴۴۴۷۸۰۸۰

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش | گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش | روزنامه